

به نام خدا

# جوادی دنیا را نجات می دهد



مگان مک دونالد

ترجمه‌ی محبوبه نجف‌خانی

تصویرگر: پیتر اچ. ری نولدز



کتاب‌های سبز



## فهرست

- ۹..... درباره‌ی نویسنده.
- ۱۷..... درباره‌ی تصویرگر.
- ۱۹..... مسابقه‌ی چسب زخم محشر.
- ۳۳..... خفاش یا پوست موز.
- ۴۳..... در حال و هوای آقای آشغالی.
- ۵۹..... صدف‌های براق انگشت خوکی.
- ۷۱..... وضعیت اضطراری سوسک.
- ۷۹..... خزه‌ی حوض.
- ۹۱..... دیوا دو.
- ۱۰۷..... خفاشی محشر می‌کند.
- ۱۱۹..... پروژهی مداد.
- ۱۳۱..... بطری‌ها محشر می‌کنند.
- ۱۳۷..... مرض چشمک‌زدن.



---

## مسابقه‌ی چسب زخم محشر

---

جوادی دمدمی نمی‌خواست دنیا را نجات بدهد، بلکه فقط می‌خواست توی مسابقه برنده شود. آن هم مسابقه‌ی چسب زخم.

جوادی در کیف وسایل پزشکی‌اش را باز کرد. جعبه‌ی چسب زخم محشرش کجا بود؟ چکش کوچولویی را که مخصوص امتحان کردن واکنش‌های بدن بود، برداشت. استینک که داشت وارد اتاق جوادی می‌شد، پرسید:

«هی، می‌شود امتحانش کنم؟»

— استینک، تا حالا چیزی در مورد تق‌تق شنیده‌ای؟  
استینک گفت: «معلومه. کیه؟»